


سرمقاله

پویایی عرضه نفت ایران در دوره جنگ رمضان

♦ | در دوره جدید درگیری بین ایران با طرف آمریکایی-اسرائیلی، رفتار بازار نفت به‌طور محسوسی از الگوی معمول عرضه و تقاضا فاصله گرفته است. این دوره را اینگونه میتوان توصیف کرد که، ایران با توجه به توافق اتش بس میان طرفین، اقدام به بازکردن تنگه هرمز کرد اما طرف امریکایی شروع به محاصره دریایی ایران کرد و از عبور و مرور کشتی های تجاری مرتبط با ایران ممانعت میکند و به دنبال توقیف آنها و فشار اقتصادی به ایزان است. تا الان، با اینکه چندین روز از اعلام رسمی سنتکام مبنی بر شروع محاصره دریایی گذشته است اما اخبار ها از عبور کشتی های تجاری و نفتکش های ایرانی از محاصره دریایی و ورود به دریای آزاد خبر میدهند. این محاصره دریایی به احتمال زیاد پس از اتمام زمان اتش بس به صورت جدی تری دنبال خواهد شد. در چنین فضاهایی، کشورهایی که از پیش با محدودیت‌های صادراتی یا تحریمی مواجه بوده‌اند، از جمله ایران، گاه به دلیل معماری خاص زنجیره صادرات، ذخیره‌سازی و سازوکارهای لجستیکی، ظرفیت‌هایی پیدا می‌کنند که در حالت عادی به چشم نمی‌آید. افزایش اخیر صادرات نفت و میعانات ایران را می‌توان در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ پدیده‌ای که تنها به افزایش تولید مرتبط نیست، بلکه

نتیجه هم‌زمان چندین جابه‌جایی ساختاری در زنجیره انرژی است. نخستین محرک، افزایش کوتاه‌مدت عرضه از محل تولید جاری و تخلیه ذخایر تجاری است. در شرایط تنش، شرکت‌های ملی نفت معمولاً بخشی از ذخایر استراتژیک یا تجاری خود را روانه بازار می‌کنند. این ذخایر در سه لایه قابل ردیابی است: مخازن ساحلی و پایانه‌های صادراتی؛ نفت خام و میعانات ذخیره‌شده در مخازن فرآورش و خطوط انتقال؛ و مهم‌تر از همه نفت روی آب که در نفتکش‌ها ذخیره می‌شود و نقش یک مخزن شناور قابل جابه‌جایی را دارد. برآوردهای مؤسسه‌اتی مانند Kpler نشان می‌دهد موجودی نفت شناور ایران طی ماه‌های اخیر در سطحی کم‌سابقه بوده است. حجم بالای نفت روی آب، یک مزیت عملیاتی مهم ایجاد می‌کند: امکان عرضه سریع به بازارهای دورتر و واکنش فوری به فرصت‌های قیمتی. در دوره‌ای که سطح نااطمینانی بازار بالا می‌رود، همین چابکی به افزایش صادرات منجر می‌شود، بدون آنکه لزوماً افزایش پایدار تولید اتفاق افتاده باشد. دومین عامل، کاهش تحویل خوراک به پالایشگاه‌ها در برخی بازه‌ها است. پالایشگاه‌ها در شرایط اختلال‌های منطقه‌ای یا محدودیت‌های

عملیاتی، گاهی با کاهش خوراک ورودی مواجه می‌شوند؛ چه به دلیل تعمیرات، چه به دلیل مدیریت ریسک یا به‌خاطر محدودیت صادرات فرآورده. کاهش ورودی پالایشگاه‌ها باعث می‌شود بخشی از نفت خام که معمولاً در داخل فرآورش می‌شد، مستقیماً به کانال صادرات هدایت شود. این جابه‌جایی در تراز انرژی داخلی، اثر دوگانه دارد: افزایش محسوس حجم صادرات نفت خام، و در مقابل، کاهش درآمد بخش پالایش و پتروشیمی که از فرآورش داخلی منتفع می‌شود. سومین محرک، رفتار بازار جهانی نفت در شرایط نااطمینانی است. در دوره اخیر، قیمت نفت سبک و متوسط در بازار بین‌المللی به‌طور میانگین حدود ۱/۶ تا ۱/۷ برابر میانگین دوره قبل رشد داشته است. اگر صادرات نفت و میعانات در یک دوره کوتاه ۱/۵ برابر شود و قیمت نیز ۱/۷ برابر افزایش یابد، اثر ترکیبی آن می‌تواند درآمد صادراتی را به محدوده‌ای بین ۲ تا ۳ برابر برساند. این جهش، حاصل هم‌زمان افزایش حجم صادرات، تخلیه ذخایر روی آب، تغییر ترکیب صادرات به سمت میعانات و دریافت پرمیوم قیمتی در معاملات نقدی است. عامل چهارم، سازوکارهای غیررسمی مبادله و نقل‌وانتقال مالی است که طی سال‌های اخیر در

نتیجه محدودیت‌های بانکی شکل گرفته. این سازوکارها، که شامل تهاتر کالا، تسویه غیردلاری، شبکه خریداران خصوصی و نظام کارگزاری غیررسمی است، در شرایط اختلال ژئوپلیتیک کارآمدتر می‌شوند.. به همین دلیل، امکان بازگشت درآمدهای صادراتی نسبتاً پایدار باقی می‌ماند، حتی اگر بخشی از مسیرهای سنتی تجارت دریایی با اختلال همراه شود. در مجموع، افزایش اخیر صادرات را باید یک جهش ساختاری کوتاه‌دوره‌ای دانست؛ جهشی که از افزایش سریع تولید ناشی نشده، بلکه نتیجه هم‌گرایی چهار عامل است: ۱) تخلیه ذخایر شناور و خشکی، ۲) کاهش مصرف پالایشی، ۳) افزایش قیمت نفت، ۴) بهره‌گیری از سازوکارهای انعطاف‌پذیر مالی.

این دوره ممکن است ماندگار نباشد، اما نشان می‌دهد در شرایط جنگی، معماری زنجیره انرژی کشورها چگونه می‌تواند ظرفیت‌های پنهان خود را به‌طور ناگهانی فعال کند. ایران کشوری است که چند ده سال با این شرایط توانسته است نفت خود را صادر کند و برای هر مسئله‌ای راه حلی پیدا کرده است. این مسئله هم مانند سایر سناریو ها به شکست منجر خواهد شد. ♦

رصد سیاسی انرژی

در حوزه ژئوپلیتیک انرژی، پایش مداوم جریان صادرات هیدروکربوری و تحلیل زیرساخت‌های انتقال محموله‌ها، شاخصی حیاتی برای سنجش ضریب امنیت ملی است. اظهارات اخیر معاون اول رئیس جمهور، مبنی بر «شکست محاصره‌ ادعایی دریایی» و تجربه جهش ۲ تا ۳ برابری در حجم صادرات نفت، از دیدگاه فنی به معنای بازآرایی موفق استراتژی‌های لجستیکی در شرایط پریسک تعبیر می‌شود. این روند نشان‌دهنده آن است که صنعت نفت ایران توانسته باتکیه بر روش‌های انتقال پیچیده و بهینه‌سازی زنجیره تأمین، از سد محدودیت‌های فیزیکی و اعتباری عبور کند. افزایش محسوس حجم بشکه‌های صادراتی در بازه زمانی کوتاه، بیانگر ارتقای پایداری در پایانه‌های صادراتی و توانایی عملیاتی برای دور زدن پروتکل‌های فشار حداکثری است. از منظر بازار، این جهش آماری نه تنها به معنای بازیابی سهم بازار، بلکه نشان‌دهنده شکست کدهای تحریمی در ردیابی ناوگان و انتقال وجوه است. تحلیل این گزاره‌ها، بر تقویت زیرساخت‌های استراتژیک و انعطاف‌پذیری شبکه توزیع نفت ایران در برابر نوسانات ژئوپلیتیک تأکید دارد.

تحلیل خبری

تشدید درگیری هادر منطقه غرب آسیا و بروز اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، اثرهای قابل‌توجهی بر عملیات پالایشی و عرضه سوخت در آسیا و اروپا گذاشته است. گزارش‌ها از ژاپن نشان می‌دهد محدودیت در دریافت محموله‌های نفت خام، پالایشگاه‌های این کشور را به ادامه بهره‌برداری پایین از ظرفیت واداشته است. میزان استفاده از ظرفیت پالایشی ژاپن در هفته منتهی به ۱۱ آوریل به ۶۷.۸ درصد رسیده که نزدیک به سطح ۶۷.۷ درصد هفته قبل و به‌مراتب پایین‌تر از میانگین بالای ۸۰ درصد پیش از آغاز تنش هاست. تحلیلگران بر این باورند که ژاپن می‌تواند

بازار جهانی نفت

شکاف کم‌سابقه میان قیمت‌های تابلوئی و واقعیت بازار فیزیکی نفت

گزارش یکی از خبرنگاران بلومبرگ نشان می‌دهد شکاف قابل‌توجهی میان قیمت‌های تابلوئی بازارهای مالی نفت و واقعیت بازار فیزیکی شکل گرفته است. در حالی که شاخص‌هایی مانند برنت در محدوده ۹۰ تا ۱۱۰ دلار در نوسان‌اند، معامله‌گران بازار فیزیکی با کمبود عرضه فوری روبه‌رو هستند. کاهش تقریبی ۱۰ میلیون بشکه‌ای عرضه جهانی و رشد تقاضای کوتاه‌مدت موجب شده نفت قابل تحویل فوری به‌عنوان کالایی کمیاب قیمت‌گذاری شود.

بر اساس داده‌های منتشرشده، فروشندگان برای محموله‌های نقدی نفت خام، پرمیومی بین ۱۰ تا ۲۰ دلار و در برخی موارد تا ۲۷.۸۵ دلار نسبت به قیمت‌های معیار دریافت می‌کنند. هزینه حمل‌ونقل دریایی که پیش‌تر

نزدیک به یک دلار برای هر بشکه بود، اکنون به حدود ۲۰ تا ۲۵ دلار رسیده و نرخ‌های بیمه به‌طور معنی‌داری افزایش یافته است. نتیجه آنکه قیمت تمام‌شده هر بشکه نفت، بسته به مبدأ، مقصد و شرایط بیمه، می‌تواند از حدود ۷۸ دلار تا سطوحی نزدیک به ۲۸۶ دلار متغیر باشد. بررسی بلومبرگ نشان می‌دهد بازار فیزیکی کمیود عرضه «فعلی» را سریع‌تر از بازارهای مالی منعکس می‌کند، در حالی که بازار آتی همچنان بر فرض بهبود شرایط در ماه‌های آینده حرکت می‌کند. این اختلاف باعث شده قیمت‌های رسمی تنها بخشی از تصویر واقعی باشند و قیمت مؤثر نفت در شرایط امروز، همراه با هزینه حمل و بیمه، در برخی مسیرها به محدوده ۱۵۰ تا ۳۰۰ دلار برسد. / خط انرژی